

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سهیلا

۱۳ دسمبر ۲۰۲۱

درباره موقعیت بین المللی جمهوری اسلامی

مصاحبه برنامه "چشم انداز" تلویزیون کومه له با رفیق سهیلا از فعالین چریکهای فدائی خلق ایران
رفیق مجری تلویزیون چشم انداز: رفیق سهیلا درود بر شما، ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید.
رفیق سهیلا: با درود به شما و رفقای عزیز در این برنامه تلویزیونی، و بینندگان گرامی و هموطنان عزیزمان، متشکر
که این وقت را به من دادید که این گفتگو را داشته باشیم.

مجری: به عنوان سؤال اول می خواستم بپرسم که نقش حکومت اسلامی ایران در منطقه و کشورهای دور و بر را
چگونه می بینید؟ آیا این حکومت توان آن را دارد که سیاست های دخالتگرانه اش در منطقه را ادامه دهد؟

سهیلا: در این رابطه، باید توجه به این واقعیت داشته باشیم که اساساً همه سیاست خارجی جمهوری اسلامی و روابط
آن با کشورهای منطقه در 43 سال گذشته، نه بر اساس منافع ملی مردم ایران بلکه تابعی بوده از سیاست ها و منافع
قدرت های جهانی. بنابراین وقتی از "توان جمهوری اسلامی" صحبت می کنیم، باید یادمان باشد که توان سیاسی-نظامی
جمهوری اسلامی را برای دخالت هایش در منطقه و در واقع "اجازه داشتن برای این دخالت ها" را، امپریالیست ها به
سرکردگی امریکا، برای جمهوری اسلامی تامین کرده اند. نگاهی به دخالت های جمهوری اسلامی در عراق و سوریه
و یمن و لبنان و فلسطین و غیره، در تقویت بنیادگرایی اسلامی، به عنوان نیروی نیابتی امپریالیست ها و ابزار گسترش
سلطه امپریالیستی علیه طبقه کارگر و خلق های تحت ستم، این واقعیت را ثابت می کند. در نتیجه، تا زمانی که سیاست
اربابان این رژیم این دخالت ها را ایجاب کند، جمهوری اسلامی نیز با توجه به توانش، در همین مسیر گام برخواهد
داشت. مصرف میلیاردها دلار از خزانه مملکت در ماجراجویی های نظامی در آن کشورها و "بحران افروزی" برای
توجیه حضور نظامی مستقیم دولت امریکا، نمونه ای از این سیاست ها و توان جمهوری اسلامی را نشان می دهد.
خب البته این وضعیت، ابدی نیست هر زمان که سیاست های امپریالیسم در منطقه عوض شود و یا زمانی که آنها
ببینند که کارگران و زحمتکشان آگاه و انقلابی ایران در جنگی که علیه رژیم آغاز کرده اند، پیشروی کرده اند و خطر
سرنگونی رژیم و خطر ضربه زدن به نظام سرمایه داری حاکم بر ایران برود، آنگاه ممکن است که این "توان"
جمهوری اسلامی را از آن بگیرند و ما شاهد ناتوان شدن این رژیم و یا تغییر نقش این رژیم در صحنه های منطقه ای
باشیم.

در نتیجه، در پاسخ به سؤال شما خلاصه می‌کنم که این سیاست‌های دخالتگرانه و ضد انقلابی، تا زمانی که جمهوری اسلامی پشتیبانی امپریالیست‌ها را دارد، ادامه خواهند یافت. به‌طور کلی با پیشرفت انقلاب مردم و تضعیف جمهوری اسلامی است که ما به موقعیتی می‌رسیم که این حکومت تضعیف‌بشه و دوره پایان این دخالت‌های ضدانقلابی و حتی پایان عمر خود این رژیم فرا برسد.

مجری: رفیق سهیلا، موقعیت حکومت اسلامی ایران بعد از انتخاب رئیسی را در سطح بین‌المللی چگونه میبینید؟

سهیلا: خوب ما می‌دانیم که به‌رغم رسوائی و بدنامی رئیسی، نمایندگان خیلی از قدرت‌های بزرگ جهانی و دشمنان مردم ما و همین کشورهای منطقه، در مراسم تحلیف رئیسی شرکت کردند. در نتیجه در این رابطه باید بین تبلیغات و ادعاهای قدرت‌های جهانی دارای منافع در ایران و وابستگانش، و عمل آنها در برابر جمهوری اسلامی فرق قایل بشویم. بدون شک تا آنجا که به کارگران و زحمتکشان ایران و مردم آگاه در سطح جهانی برمیگردد، از نظر افکار عمومی مترقی، با تغییر مهره‌های گرداننده جمهوری اسلامی، تغییر ماهوی‌ای در این رژیم وجود نیامده و جمهوری اسلامی مثل همیشه یکی از بدنام‌ترین، تبه‌کارترین، و زن‌ستیزترین حکومت‌های ضد خلقی دنیا است. جنبش‌های توده‌ای قهرآمیز دی‌ماه 96 و آبان 98 با شعارهای رادیکال و "مرگ بر جمهوری اسلامی"، موقعیت متزلزل و بی‌آبرویی این رژیم را بار دیگر به شکل گسترده‌ای در سطح بین‌المللی نشان داد. در چنین شرایطی، عروج مزدورانی مانند رئیسی، نمایانگر وضع خیلی بحرانی جمهوری اسلامی در مقابل مردم ماست، که باعث شده تا با روی کار آوردن یکی از اعضای "هیأت مرگ" و یکی از بزرگترین جلادان رسوایشان، بکوشند که شمشیر را هر چه بیشتر از رو ببندند. اما اساساً در روابط سرمایه‌داری جهانی فعلی که تحت سلطه امپریالیست‌ها به سرکردگی امریکاست، همانطور که در پاسخ به سؤال قبلی مطرح کردم، به دلیل وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیست‌ها، تغییر مهره‌ها مساوی با تغییر موقعیت این رژیم و تغییر سیاست‌های کلان این رژیم نیست. جمهوری اسلامی در زمان رئیسی، در همان چارچوب سیاست‌های کلان نظام و در ریلی حرکت می‌کند که اسلافش، یعنی روحانی و احمدی‌نژاد و خاتمی و رفسنجانی و غیره حرکت کرده‌اند. به عنوان مثال ادامه سیاست‌های متضمن غارت منابع و دسترنج کارگران و توده‌های تحت ستم توسط سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها و ادامه سیاست‌های انداختن بار سنگین بحران‌های سیستم سرمایه‌داری بر دوش کارگران و زحمتکشان، به زور سرکوب‌های وحشیانه، در جمهوری اسلامی ادامه دارد و برای برآوردن نیازهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و قدرت‌های بین‌المللی است که قبل از رئیسی بوده و در زمان رئیسی نیز به پیش خواهند برد. درست به همین دلیل است که به نظر من، امپریالیسم امریکا و همپالگی‌های این حکومت، به‌رغم وجود این مهره مرتجع و آدمکش، همچنان به همکاری و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از این رژیم نوکر خود (در ایران) ادامه می‌دهند. اما اگر از یک جنبه دیگر هم بررسی کنیم، روشن‌تر است که موقعیت جمهوری اسلامی، هم قبل از رئیسی و هم بعد از رئیسی، بستگی دارد به این که تا چه حد می‌توانند با سرکوب شدید کارگران و زحمتکشان، منافع اربابانشان را برآورده کنند.

اما یک فاکتور مهم که می‌تواند موقعیت جمهوری اسلامی را متزلزل سازد و تغییر دهد و به همین اعتبار میزبازی امپریالیست‌ها در منطقه را نیز وارونه کند، شرایط و توانائی‌های انقلابی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در ایران و جنبش اعتراضی آنهاست. و امپریالیست‌ها نیز به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی یکی از بحرانی‌ترین دوران‌هایش را می‌گذراند و با تداوم ورشکستگی و تشدید بحران اقتصادی و فساد ساختاری و غارت منابع و سفره خالی

مردم، این خطر را امپریالیست ها حس می کنند که با توجه به این اوضاع، هر آن امکان دارد که جمهوری اسلامی در اثر شدت گیری مبارزات و خیزش های مردم، سرنگون بشود.

در نتیجه، عامل کلیدی ای که منجر به تغییر موقعیت جمهوری اسلامی در سطح بین المللی می شود، نه جنایتکار بودن رئیس جمهور وقت (که یک حقیقت آشکار است)، بلکه عامل اصلی ای که موقعیت جمهوری اسلامی را تغییر می دهد، توان این رژیم در سرکوب جنبش انقلابی مردم است. و به نظر من، هر برخوردی که قدرت های جهانی، در حرف، علیه رژیم می کنند، نباید ما را دچار این توهم کند که موقعیت جمهوری اسلامی در نزد این قدرت ها تضعیف شده و یا مثلاً رژیم دارد علیه این قدرت ها سرکشی می کند. همه برخوردهای امریکا با رژیم، تحت تاثیر اوج گرفتن مبارزات توده هاست.

مجری: رفیق سهیلا، امریکا و سیاست های امریکا را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران را چگونه می شود توضیح داد؟ بخصوص وقتی که امریکا نیروهایش را از افغانستان خارج کرده. آیا امریکا کماکان می تواند اهرم فشار جدی بر جمهوری اسلامی باشد؟

سهیلا: اگر ما به چگونگی روی کار آمدن جمهوری اسلامی و تداوم حیات آن در 43 سال گذشته نگاه کنیم، می بینیم که امپریالیست ها در سال های 56-57 با مشاهده خطر رشد کمونیسم در ایران، این رژیم را سر کار آوردند و جمهوری اسلامی محصول کنفرانس امپریالیست ها در گواندلوپ بود. در طول چهل و سه سال گذشته نیز به رغم هر گونه برخورد و یا جنگ زرگری بین امپریالیست ها با این رژیم، قدرت های جهانی و در راس آنها امریکا از هیچ کاری تا به امروز برای حفظ سلطه این رژیم خودداری نکرده اند.

پس به نظر من، ما با عدم تمکین از جانب جمهوری اسلامی در مقابل امپریالیست ها روبرو نیستیم. اصلاً عدم تمکینی از جانب جمهوری اسلامی در مقابل امپریالیست ها وجود ندارد. بلکه ما شاهد ادامه پیروی جمهوری اسلامی از امریکا هستیم و ما حتی شاهد تضعیف امریکا در مقابل نوکرانی مثل جمهوری اسلامی نیستیم. برعکس جمهوری اسلامی در همین مورد افغانستان که شما در سؤالتان مطرح نموده اید، همواره جاده صاف کن سیاست های امریکا بوده و می باشد. از طرف دیگر شیوه خروج مفتضحانه امریکا از افغانستان و سپردن آن به دست دار و دسته طالبان پس از یک دوره مذاکرات طولانی در قطر - و بخشاً با تسهیلات جمهوری اسلامی انجام شد - به معنی کوتاه شدن دست امریکا از افغانستان نیست. در ورای ظاهر این "افتضاح" خارج شدن امریکا از افغانستان، اگر دقت کنیم، ما شاهد کوتاه شدن دست امریکا در افغانستان نیستیم. بلکه فقط یک تغییر آرایش جنگی امپریالیسم امریکا در افغانستان صورت گرفته است. چرا که با خروج ارتش امریکا از افغانستان، اولاً سرمایه های امپریالیستی و امریکائی از این کشور خارج نشده اند. ثانیاً امریکا در افغانستان، همچنان از طریق مزدوران طالبان و یک ارتش 300 هزار نفره بزرگ و تا بن دندان مسلح "امپریالیسم-ساخته" کنترل اوضاع را در دست دارد. طالبان در حال حاضر بهترین گزینه امریکا در افغانستان است، برای برآوردن منافع اقتصادی امپریالیستی.

جمهوری اسلامی در این راستا با حمایت از طالبان، با ملاقات و مذاکره با آنان، با تبلیغ برای مردمی نشان دادن طالبان، به عملی شدن پروژه امریکا در افغانستان کمک کرده است. بنابراین، جمهوری اسلامی نه در افغانستان و نه در هیچ کجای دیگری رقیب امریکا نیست. جمهوری اسلامی امپریالیست نیست که رقیب امریکا یا چین و غیره باشد. جمهوری اسلامی در لیگ نوکران امپریالیست هاست، رژیمی است نوکر امپریالیست ها در منطقه و نه دشمن آنها به.

همین اعتبار همواره در طول چهل و سه سال اخیر این رژیم با حمایت های مستقیم و غیر مستقیم اربابان خود توانسته به بقای خود ادامه دهد .

برخی تصور می کنند که جمهوری اسلامی دارد در مقابل امریکا قلدری و عرض اندام می کند .خیر، جمهوری اسلامی از روز اول عمر ننگینش که توسط امپریالیست ها بر سر کار آمد تا به امروز، منافع اربابانش را حفظ کرده است .اما چیزی که دارد عوض می شود، رشد روزافزون آگاهی های انقلابی طبقه کارگر ایران و توده های تحت ستم و گسترش مبارزات انقلابی علیه این رژیم برای سرنگونی سیستم سرمایه داری حاکم است .یکی از تلاش های فریبکارانه دشمنان مردم برای متوقف کردن این پروسه، از یک طرف تظاهر به دشمنی این رژیم وابسته، یعنی جمهوری اسلامی، در مقابل اربابانش است .درحالی که امپریالیست ها اساسا آفریدگان جمهوری اسلامی هستند .و این تظاهر به ضدامریکائی بودن جمهوری اسلامی، یکی از ترفندهای مرتجعین برای به قدرت نشاندنش در سال 57 بود، و این دروغ، هنوز ادامه دارد.

مجری: ظاهرا امریکا و اروپا در برخوردهای روزانه به جمهوری اسلامی برخورد یکسان ندارند مثلا امریکا می گوید تحریم ها بیشتر شود ولی اروپا می گوید ارتباطات با این حکومت بیشتر شود .این تناقضات را شما چگونه توضیح می دهید؟

سهیلا: به نظر من، این تفاوت های سیاست های خارجی امپریالیست ها را باید در چهارچوب رقابت های میان خودشان و منافعشان دید اما هیچ یک از این قدرت های امپریالیستی سیاستی را به نفع مردم ایران اتخاذ نمی کنند . ممکن است یکی بگوید که بله، اروپا به نفع مردم فکر نمی کند اما اختلافاتش با امریکا به نفع مردم ایران تمام می شود . من با این حرف مخالف هستم .اتفاقا همه امپریالیست ها خیلی مراقب هستند که اختلافاتشان به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان ایران تمام نشود .چون امپریالیست ها(اروپا و امریکا و روسیه و چین و غیره)در دشمنی و جنگ با خلق ایران کاملا متحد و دارای منافع غارتگرانه مشترک می باشند .پس این رقابت های امپریالیست ها، اساسا در رابطه با میزان سهمشان از بازارهای کشورهای مختلف است .به عنوان مثال، اروپا و امریکا و روسیه و چین و ... هر کدام سهمی دارند برای فروش اسلحه و دیگر کالاها به ایران و در ازای آنها نفت و گاز و دیگر منابع را به قیمت ارزان چپاول کردن .در نتیجه این غارت و چپاول توسط امپریالیست هاست که به طبقه حاکم در ایران کمک می کنند که در قدرت بماند .و تمام اختلافات و تفاوت های امپریالیست ها در سیاست خارجی و تاکتیک هایشان را هم در همین چهارچوب سهمشان از غارت کشورهای مثل ایران است.

مجری: رفیق سهیلا به نظر شما بالاخره مسأله برجام به کجا خواهد رسید؟

سهیلا: برجام و پروژه اتمی جمهوری اسلامی، اساسا یک کارت در دست امپریالیست ها و سرمایه داران استثمارگر علیه مردم ایران و کل منطقه است .در نتیجه مانور با این کارت است که گاهی صحبت از " توافق "بین جمهوری اسلامی با امپریالیست ها می شود و گاه نیز از گزینه جنگ و حمله نظامی صحبت می کنند .اینها در نتیجه ی مانور با این کارت است .و با صحبت از جنگ و حمله نظامی، یک فضای ناامنی و نگرانی بر زندگی توده های تحت ستم ما حاکم می کنند .فرجام برجام، وابسته به سیاست های بزرگترین قدرت های امپریالیستی ای ست که جمهوری اسلامی را گام به گام به وارد کردن به این پروژه سوق دادند و این رژیم نیز بنا به ماهیت وابسته و ضد مردمی اش تا امروز مجبور بوده با سرعت تمام در آن حرکت کند .وضعیت کنونی این مذاکرات، که انعکاس رابطه وابستگی جمهوری

اسلامی به امپریالیست هاست، همانطور که سابقه برجام، پرونده اتمی جمهوری اسلامی و مذاکرات حول آن در دوره های مختلف نشان داده، تا زمانی که نقش جمهوری اسلامی در تقسیم کاری که قدرت های جهانی و امپریالیست ها برایش معین کرده اند باشد، نتیجه برجام در همین زمینه پیش می رود. و این وظیفه ای که برای جمهوری اسلامی تعیین کرده اند، ایفای نقش یک رژیم بحران زا و حامی "بنیادگرایی اسلامی"، ناقض "حقوق بشر"، جویای "سلاح اتمی" و "موشک های بالستیک" است. و مذاکرات ماراتونی برجام در همین زمینه ادامه خواهد یافت و ابزاری برای فریبکاری علیه توده ها توسط دشمنانشان خواهد بود. ولی برجام هر سرنوشتی که داشته باشد، آن طور که برخی ها تصور می کنند منجر به تبدیل جمهوری اسلامی به یک رژیم متعارف و دموکراتیک، نمی شود. جمهوری اسلامی در اثر برجام، تبدیل به رژیمی نخواهد شد که با باصطلاح احترام به موازین بین المللی، حداقل مطالبات اقتصادی-سیاسی و حقوق دموکراتیک زحمتکشانش را برآورده سازد. اتحاد انقلابی کارگران و توده های تحت ستم و تشدید مبارزات آنها برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی، تنها تضمین واقعی برای اطمینان از احتراز از ماجراجویی های ضد انقلابی جمهوری اسلامی و اربابان جهانی اش خواهد بود.

نتیجه برجام، نتیجه ای به نفع مردم نیست و نمی شود تصور کرد که جمهوری اسلامی دست از ماجراجویی های ضدانقلابی اش بردارد.

مجری: کانادا کشوری است که سیاست های خارجی خود را مستقلاً تنظیم می کند. رئیس جمهورش چند بار شخصا در مورد اوضاع سیاسی در ایران اظهار نظر کرده است و اینجوری وانمود می کند که گویا مخالف جمهوری اسلامی هست. رفیق سهیلا، شما رابطه دولت کانادا و جمهوری اسلامی ایران را چگونه می بینید؟

سهیلا: رژیم کانادا نیز یکی از قدرت های سرمایه داری جهانی و یک کشور امپریالیستی است و طبقه حاکم بر کانادا نیز مانند هر طبقه سرمایه داری دیگر، در سیاست هایش فقط به منافع طبقه حاکم بر کانادا فکر می کند و نه به منافع مردم ایران و یا حتی به منافع عموم مردم و طبقه کارگر کانادا.

دولت کانادا روابط اقتصادی گسترده ای با ایران دارد و به طور مثال حتی برادر نخست وزیر کانادا (برادر ناتنی جاستن ترودو) در سال های اخیر به ایران سفر تجاری داشته و برای کمپانی ای کار می کند که با ایران رابطه اقتصادی دارد. یعنی طبقه حاکم بر کانادا، نه تنها به مثابه یک طبقه از حاکمیت جنایتبار جمهوری اسلامی علیه مردم ایران سود می برد، حتی خانواده نخست وزیر کانادا نیز از در مسند قدرت بودن چنین رژیمی، به قیمت رنج و فلاکت مردم ایران، سود فردی و خانوادگی هم می برند.

پس تعجبی نیست که مخالفت دولت کانادا با جمهوری اسلامی و حرف های "ترودو" علیه جمهوری اسلامی، در حد فقط یک "انتقاد" کردن از موشک زدن به هواپیمای اوکراینی و یا انتقاد از کشتار دهه 60 و ... انتقادات دیگر از جمهوری اسلامی است. کانادا در برخورد با جمهوری اسلامی به طور کلی و با برخی تفاوت هائی، از همان سیاست عمومی سایر امپریالیست ها بویژه امریکا، پیروی می کند. همه آنها (امپریالیست ها و طبقات حاکم بر آنها) از جمهوری اسلامی حمایت می کنند.

البته، دلیل اصلی دولت کانادا برای این انتقاداتش فقط و فقط فریب دادن مردم ایران است که دولت کانادا را دوست خود بدانند. امپریالیست ها امید دارند که به این ترتیب امکان فریبکاری های بعدی علیه انقلاب مردم ایران حفظ شود. مانند زمانی که امپریالیست ها در سال 57 وانمود کردند دوست مردم ایران هستند و با فریبکاری، جمهوری اسلامی را در ایران حاکم کردند.

امپریالیست ها، از کوچک و بزرگ، می دانند که سرنگونی جمهوری اسلامی در طی یک انقلاب پیروزمند، و حاکم شدن دموکراسی واقعی در ایران، به معنی این است که دیگر هیچ امپریالیستی و یا خانواده ترودو و دیگر مهره های طبقه حاکم در هر کشوری، نمی توانند ایران و مردمش را غارت کنند. پس خوب می دانند که باید در حفظ دیکتاتوری سرمایه داری وابسته در ایران بکوشند. و این انتقاداتشان از جمهوری اسلامی فقط حرف است و هیچ مخالفتی با جمهوری اسلامی (فعلا که منافعشان را حفظ می کند) ندارند.

مجری: ظاهراً جمهوری اسلامی نیروی چشمگیری را به کانادا منتقل کرده و آنها در آنجا رسماً برای جمهوری اسلامی فعالیت می کنند. این نیروی جمهوری اسلامی در کانادا چکار می کنند و پشتیبانی دولت کانادا از اینها را چگونه می شود توضیح داد؟

سهیلا: اتفاقاً مورد خوبی را مطرح کردید که در ارتباط با سؤال قبلی نیز قابل تعمق است. به رغم تمام باصطلاح انتقادات حقوق بشری کانادا علیه سران جمهوری اسلامی، همین کانادا یکی از بزرگترین بهشت های امن برای دشمنان و غارتگران مردم ایران، یعنی مقامات و مهره های جمهوری اسلامی بوده است. مزدوران رژیم با اطلاع دولت کانادا مراسم عاشورا و تاسوعای دولتی برگزار می کنند و علیه نیروهای انقلابی جولان می دهند و تمام این تحرکات با اطلاع و اجازه دولت کاناداست. پادوهای رژیم که به کانادا آمده اند و هنوز هم دارند می آیند، سرمایه دارند و برای طبقه حاکم کانادا سودآور هستند. رژیم در پارلمان کانادا هم مهره هایش را دارد. به عنوان مثال فردی به نام مجید جوهری مهره رژیم و نماینده پارلمان است (نه نماینده پارلمان یک استان، بلکه نماینده دولت فدرال است) و عضو حزب لیبرال، حزب حاکم، است. او با حمایت مالی جمهوری اسلامی و حمایت سیاسی دولت و حزب حاکم بر کانادا، تونسته تبلیغات کند و انتخاب بشود. علاوه بر این، جمهوری اسلامی انواع و اقسام بنیادهای فرهنگی را در کانادا دایر کرده است. خیلی از ایرانی های ساکن کانادا با این مسأله مبارزه کرده اند، نه تنها کمونیست ها، ایرانی های آزادیخواه کانادا خیلی مبارزه کردند که مهره جمهوری اسلامی نتواند وارد دولت و پارلمان کانادا بشود. اما حمایت دولت کانادا و حزب حاکم بر آن منجر به پیروزی رژیمی هائی امثال "مجید جوهری" شد. البته مبارزات و فعالیت های انقلابی ایرانیان آگاه مقیم کانادا تاکنون اجازه نداده جمهوری اسلامی کارهایش را به راحتی انجام بدهد، و مانند خاری در چشم جمهوری اسلامی عمل کرده است. ما و سایر نیروهای انقلابی و مبارز، نگذاشتیم که جمهوری اسلامی به راحتی نقشه ها و اهداف و منافعش را پیش ببرد. یکی از دلایلی هم که رژیم به درست کردن انواع و اقسام نهادهای فرهنگی در کانادا دست زده، این است که توازن فرهنگی در جامعه ایرانیان کانادا را به نفع خودش تغییر دهد.

گروه های سیاسی انقلابی در کانادا برای متوقف کردن تلاش های جمهوری اسلامی در کانادا باید دست به اتحاد عمل های مبارزاتی بزنند. و هموطنان مبارز ما در کانادا باید هر چه بیشتر وظیفه خود را در رساندن صدای مردم ایران و افشای چهره کریه جمهوری اسلامی، با شرکت در این حرکت ها و تظاهرات ضد رژیم ایفا کنند.

مجری: رفیق سهیلا، همانطور که خودتان هم مطلع هستید، در حال حاضر دادگاه حمید نوری (در سوند) پیش می رود. شما فکر می کنید که اگر رئیس به کانادا بیاد چه اتفاقی می افتد؟ آیا دولت کانادا حاضر هست آنها را دادگاهی کند؟

سهیلا: در رابطه با دستگیری فلان مهره بزرگ و کوچک جمهوری اسلامی و یا دادگاهی کردن آنها، به نظر من بهتر است به جای پیشگویی هائی که هیچ مشکلی را دوا نمی کند، به واقعیت ها بیشتر توجه داشته باشیم. ما صد البته مثل مردم ایران از دستگیری و مجازات هر یک از مهره های رژیم که منجر به افشای چهره تبهکار رژیم می شود،

خوشحال می شویم و استقبال می کنیم. اما معتقد نیستیم که رسیدن به چنین هدف خوب و مردمی ای توسط یک نیروی غیرمردمی و یا با اتکاء به سیاست های دولت های امپریالیستی و دشمنان مردم ایران تحقق پذیر باشد. البته در شرایط کنونی هم بعید نیست که دولت های امپریالیستی برای اینکه خودشان را دوست مردم ایران جابزنند، مقامات جمهوری اسلامی را دستگیر کنند. اما بعید است که مقامات جمهوری اسلامی بدون تضمین های رسمی و اطمینان خاطر از طرف اربابان خود، به امریکا و کانادا سفر کنند. اما ما به جای شرط بندی روی این موضوع، بهتر است که یک مساله عینی و واقعی را در همین رابطه متذکر شوم. واقعیت اینه که وقتی که مبارزات انقلابی خلق ها اوج می گیرد و منافع امپریالیست ها را در کشورهای وابسته به خطر می اندازد، امپریالیست ها فریبکاری هایشان علیه مردم انقلابی را پله به پله بالاتر می برند. به عنوان مثال، مقامات دولت های امپریالیستی حرف از جنایتکار بودن رئیس و ضرورت محاکمه او می زنند و می خواهند مردم را فریب بدهند که گویا محاکمه مهره های رژیم، آن هم در یک دادگاه کانادایی و یا سوئدی و اروپائی و غیره (و نه در یک دادگاه مردمی در ایران) به معنی حل و فصل قضایا و رفع دیکتاتوری و تقدیم دموکراسی به مردم ایران است. و همین طور می خواهند مردم ایران را فریب بدهند که گویا امپریالیست ها طرفدار مردم ایران هستند. طبقه کارگر و متحدین انقلابی اش تجربه فریبکاری امپریالیست ها و نوکرانشان را دارند که منجر به شکست انقلاب مردم در سال 57 شد و مسلما اینبار فریب دشمنانشان را نمی خورند. دولت کانادا هم برای فریب مردم ایران هر کاری امکان دارد بکند. ممکن است یک روز مبارزات انقلابی در ایران چنان رشد کند که امپریالیست ها بترسند یک رژیم انقلابی قدرت بگیرد و دست همه امپریالیست ها از ایران قطع بشود. آنگاه اینها اگر فکر کنند که با این کارها می توانند مردم را بفریبند و به غارت و سرکوب مردم ایران ادامه بدهند، حاضرند همه مهره های رژیم را هم کتف بسته تحویل مردم بدهند. اما باید یادمان باشد که امپریالیست ها هیچ گاه سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریشان گره نمی زنند.

مجری: رفیق سهیلا، من سؤال دیگری ندارم، اگر نکته ای را می خواهید اضافه کنید.

سهیلا: سپاس. من فقط آرزو دارم که این رژیم هر چه سریعتر سرنگون بشه و آزادی و دموکراسی در ایران برقرار بشه. از فرصتی که برای ارتباط با بینندگان عزیزتون به من دادید سپاسگزارم.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۶۸، آبان ماه ۱۴۰۰